”

وتوویژ لەگەڵ
سام سۆهرابیان

“

بسیار مطرح می‌شود که وضعیت جدید پس از تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و به‌ویژه جنگ ۲۰۲۶، توازن قوا را در خاورمیانه تغییر داده است. این دیدگاه تا چه حد درست است و این تغییرات چگونه‌اند؟ آیا در آستانه یک تغییر بنیادین در سیستم منطقه‌ای هستیم، یا آنچه وجود دارد صرفاً مرحله‌ی شدیدی از درگیری‌های پیشین است؟



۷ اکتبر ۲۰۲۳ را می‌توان نقطه آغازِ پایان جمهوری اسلامی دانست. فرایند فروپاشی یک حکومت ممکن است دو، سه یا پنج سال زمان ببرد که در مقیاس تاریخ یک کشور، دوره بسیار کوتاهی است؛ با این حال، مطمئناً در همین یکی دو سال آینده شاهد تغییرات بسیار بنیادین در خاورمیانه خواهیم بود.

ایران اکنون در ضعیف‌ترین موضع خود قرار دارد؛ دستش از سوریه کاملاً قطع شده، لبنان را تقریباً از دست داده و در عراق نیز با سیاست‌های جدید ترامپ، تحرک گروه‌های نیابتی‌اش عملاً به شدت محدود شده است. علاوه بر این، تمام دنیا فهمیده است که این کشور با خودش بحران و درگیری می‌آورد و جامعه جهانی دیگر نمی‌تواند این وضعیت را قبول کند. قدرت‌های جهانی، حتی اگر در ظاهر مطرح نکنند، در حال طراحی خاورمیانه‌ای هستند که حکومت فعلی ایران در معادله آن جایی ندارد. احساس می‌کنم در آینده نزدیک جنگ شدت خواهد گرفت و این روند در نهایت به سقوط رژیم ملاها منجر خواهد شد.

در این معادله‌ی جدید، جایگاه کوردها، به‌ویژه کوردهای روژهلات (کوردستان ایران)، را چگونه می‌بینید؟ کوردها تا چه حد می‌توانند یا توانسته‌اند به بازیگری صاحب ابتکار عمل تبدیل شوند و تا چه حد این خطر وجود دارد که به کارتی در درگیری قدرت‌های دولتی منطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند؟

جایگاه کوردها پیش و بیش از هر چیز به این بستگی دارد که خودشان تا چه حد به خودشان اهمیت بدهند. مهم‌ترین نیاز ما این است که یک «صدای واحد» داشته باشیم. بحث ائتلاف نیروهای هم‌پیمان کوردستان ایران طرح خوبی است، اما فعلاً در حد کاغذبازی است و باید از این فراتر برود؛ مثلاً یک شورای رهبری با ریاست دوره‌ای تعیین کنند .



مهم‌ترین شرط برای به دست گرفتن ابتکار عمل، این است که تمام تلاش‌ها معطوف به ایجاد یک «نیروی پیشمرگه ملی» شود. نیرویی که وابسته به احزاب یا اشخاص خاص نباشد، بلکه وفاداری‌اش مطلقاً به ملت کورد و کوردستان باشد. این رویکرد هم ساختارمندتر و زیباتر است و هم باعث می‌شود از تجربه‌های اقلیم کوردستان عراق درس بگیریم و آن‌ها را تکرار نکنیم. اگر احزاب بتوانند بر سر حداقل‌ها به توافق برسند، نظراتشان را نزدیک کنند و یک فرماندهی مرکزی برای پیشمرگه‌ها بسازند، آن زمان است که در تمام تحولات ایران می‌توانیم قدرت خود را به رخ بکشیم و کارت برنده‌ای در دست داشته باشیم.

تضعیف زیرساخت‌های نظامی ایران و تغییر در رهبری جمهوری اسلامی، چه فرصتی برای کوردها ایجاد کرده است؟ در مقابل، چه خطرات جدیدی را به همراه آورده است؟



در حال حاضر، تضعیف رژیم بیش از آنکه فرصت ایجاد کرده باشد، خطراتی به همراه داشته است. جمهوری اسلامی در وضعیت «بقا» (Survival Mode) قرار گرفته و هر حرکت کوچکی را یک تهدید بنیادین می‌داند. چون خطر کوردها را یک تهدید عینی می‌بینند، با حملات پیشگیرانه تلاش می‌کنند فرصت تمدد اعصاب و تمرکز برای سازماندهی را از ما بگیرند. اما این رژیم رفتنی است؛ سیستم آن‌ها مانند کشی است که فقط تا حدی کش می‌آید و وقتی نتواند خود را با شرایط وفق دهد، پاره می‌شود و قابلیت خودترمیمی ندارد.

فرصت ما در این است که بتوانیم بر سر کلیات به تفاهم برسیم. باید مشخص کنیم که خطوط قرمز ما چیست؛ حداقل خواسته‌مان (فدرالیسم)

و حداکثر خواسته‌مان (حق تعیین سرنوشت) چه چارچوبی دارد. با مشخص کردن این موارد و داشتن نیروی پیشمرگه متحد، به‌ویژه با گسترش فعالیت‌ها در مناطق کوردستان جنوبی (کرمانشاه، ایلام و مناطق لکنشین و لرنشین)، می‌توانیم جبهه واحدی باز کنیم. همچنین نباید فراموش کنیم که اکنون گفتمان رژیم اسلامی و سلطنت‌طلب‌ها در زمینه ملی‌گرایی تقریبا یکی شده است. برای خنثی کردن این فشار، ما باید مراوداتمان را با سایر قومیت‌ها، نیروهای جمهوری‌خواه و فدرالیست بیشتر کنیم تا با هم در برابر این تمرکزگرایی مقابله کنیم.

آرشیو *کشته شدن علی خامنه‌ای و انتقال رهبری به مجتبی خامنه‌ای، همراه با تقویت نقش سپاه پاسداران، آیا نشانه‌ی تضعیف سیستم است یا گذار این سیستم به شکلی نظامی‌تر؟*



کشته شدن خامنه‌ای ضربه‌ای جبران‌ناپذیر برای رژیم است. همان‌طور که گفتم، آن‌ها در حالت بقا هستند و با هر چیزی کنار می‌آیند، اما واقعیت این است که ما اصلا نمی‌دانیم آیا مجتبی خامنه‌ای زنده است یا توان اداره کشور را دارد. اینکه به بهانه مسائل امنیتی حتی رئیس‌جمهور هم نمی‌تواند با او ملاقات کند، دروغی خنده‌دار برای کشوری است که ادعای تقابل با دنیا را دارد. لایه‌ها و مشکلات بسیار بزرگ‌تری زیر این ظاهر پنهان است. در حقیقت، سپاه در حال حاضر فقط با «کارت مجتبی» بازی می‌کند. او را قایم کرده‌اند تا خواسته‌های خود را به نام او اجرا کنند. اما این بازی تا ابد جواب نمی‌دهد؛ از یک جایی به بعد باید به مردم و دنیا توضیح دهند که چگونه ماه‌ها یا سال‌ها با اسم کسی بازی کرده‌اند که شاید اصلا حضور خارجی نداشته است. حکومت اکنون فقط با زور اسلحه و پول در تلاش است تا این دوران را سپری کند، اما من آینده بسیار تاریکی برای رهبری و سپاه می‌بینم. درسته که در ظاهر نظامی‌تر شده‌اند و بلوف می‌زنند تا خود را قوی نشان دهند، اما در باطن بسیار ضعیف شده‌اند و این ضعف به زودی خودش را نشان خواهد داد.

آرشیو *ائتلاف نیروهای سیاسی کوردستان تاکنون چه تغییر واقعی‌ای در جایگاه سیاسی کوردها ایجاد کرده است؟ آیا از سطح هماهنگی سیاسی فراتر رفته و به یک مرکز تصمیم‌گیری تبدیل شده است؟*



هرچند فراخوان اعتصابات اخیر موفق بود، اما واقعیت این است که ما برای رسیدن به جایگاه اصلی‌مان هنوز خیلی کار داریم. کوردستان یک جغرافیای سیاسی با سابقه طولانی در سیاست‌ورزی است و باید از این پتانسیل درست استفاده کنیم. این ائتلاف در یک کلام، فعلاً برای من در حد صدور بیانیه است؛ کاری که قبلاً هم احزاب به صورت جداگانه انجام می‌دادند، اما به جایگاه واقعی و تصمیم‌گیری نرسیده‌اند.

ما با بیانیه و حرف زدن به جایی نخواهیم رسید. باید به صورت عملی نشان دهیم که یک واحد سیاسی هستیم که با احزاب، گرایش‌ها و خواسته‌های مختلف در یک چارچوب هماهنگ مبارزه می‌کنیم. همان‌طور که اشاره کردم، مهم‌ترین کارِ عملی، اتحاد پیشمرگه‌هاست. تا زمانی که این اتفاق به صورت ساختاری نیفتد، ما درجا خواهیم زد. در نهایت، این مردم کوردستان هستند که در آینده از طریق رأی‌گیری تعیین خواهند کرد چه دیدگاهی حاکم شود و چه کسی به عنوان رهبر یا رئیس منطقه انتخاب شود.

آرشیو *رابطه‌ی میان احزاب کورد و اپوزیسیون سراسری ایران در این مرحله باید بر چه اساسی باشد؟ چه خواسته‌ای برای کوردها نباید به خاطر یک ائتلاف موقت نادیده گرفته شود؟*



تا زمانی که ما نتوانیم روی خطوط قرمز و حداقل‌هایمان در درون خودمان به یک دیدگاه دسته‌جمعی برسیم، نمی‌توانیم با اپوزیسیون سراسری کار مؤثری انجام دهیم. وقتی بین خود احزاب کورد اتحاد و مسیر مشخصی

نیست و هر حزبی ساز خودش را می‌زند، دستمان برای مراوده با بقیه بسته است. خواسته غیرقابل چشم‌پوشی ما، «حق تعیین سرنوشت» و «سیستم فدرال» است. وقتی دقیقاً مشخص کردیم که این خط قرمز ماست، آن‌وقت می‌توانیم بر اساس آن با دیگر نیروها ائتلاف تشکیل دهیم.

یک نکته بسیار مهم این است که از لحاظ فرهنگی، ایران جامعه‌ای عقب‌نگه‌داشته‌شده است و ملی‌گرایی در آن بسیار متعصبانه دنبال می‌شود. این دگم‌اندیشی باعث شده تا کسی دم از استقلال یا حقوق ملی می‌زند، بسیاری از گروه‌ها، حتی لیبرال‌ها، بترسند که مبادا چیزی از ایران باقی نماند. ما که حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد جمعیت هستیم، باید حواسمان باشد که ۸۷ درصد بقیه را علیه خود متحد نکنیم. پس ابتدا باید ائتلاف را بین خودمان تشکیل دهیم و سپس با گروه‌های جمهوری‌خواه و معتدل سراسری متحد شویم. با سلطنت‌طلب‌ها و مرکزگراها نیز تا زمانی که حقوق ما را به رسمیت نشناسند، نمی‌توانیم ائتلافی داشته باشیم.

تیشک *در میان مبارزه‌ی مدنی، دیپلماسی، سازماندهی سیاسی و نیروی مسلح، استراتژی کوردها در این مرحله به چه تعادلی نیاز دارد؟*



داشتن احزاب سیاسی قدیمی و جامعه‌ای به شدت آگاه و سیاسی، یک حسن بسیار بزرگ برای کوردستان است. ما در دیپلماسی بین‌المللی بسیار موفق عمل کرده‌ایم و توانسته‌ایم روابط خوبی با کشورهای اروپایی برقرار کنیم؛ به جرأت می‌گویم در این زمینه بسیار موفق‌تر از نیروهای مرکزگرا بوده‌ایم و خودمان را در دنیا مطرح کرده‌ایم. در مورد نیروی مسلح هم، انتقاداتی که مطرح می‌کنند بیشتر به این برمی‌گردد که خودشان خواستند و نتوانستند چنین نیرویی داشته باشند. داشتن نیروی مسلح، دست ما را برای دفاع از مردم باز می‌گذارد و اگر با هم ائتلاف کنند، قدرت ما برای مبارزه مدنی و دیپلماسی چندین برابر می‌شود.

اما باید جسارت نقد درون‌سازمانی را هم داشته باشیم. یک لکه زشت در قامت جریان‌های کردی، مسئله انشعاب‌های مداوم است. احزابی که دیدگاه‌های نزدیکی دارند، به جای ادغام شدن و قدرت دادن به هم، با کوچک‌ترین اختلافی از هم منشعب می‌شوند. ضعف بزرگ دیگر، رهبریِ مادام‌العمر و فقدان «کادرسازی» است. اگر رهبران فعلی کنار بروند، ما چه کسی را داریم که جایگزین کنیم؟ به محض اینکه شخصی می‌خواهد خود را بالا بکشد، اختلافات چنان اوج می‌گیرد که مجبور به انشعاب می‌شود. اگر نتوانیم این ایرادات را رفع کنیم و در درون با هم کنار بیاییم، چطور می‌خواهیم بقیه در آینده ایران با ما کنار بیایند؟

تیشک *آیا کوردها آمادگی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارند؟ اگر جمهوری اسلامی ضعیف‌تر شود یا سقوط کند، خطرات اصلی برای کوردها چیست؟*

اگر بخواهم واقع‌بین باشم، صراحتاً می‌گویم: نه، آماده نیستیم. این حکومت رفتنی است و ما زمان زیادی برای آماده‌سازی نداریم. اگر همین فردا این رژیم سقوط کند، احزاب ما با این حجم از تشتت آرا و اختلافات درون‌حزبی، چگونه می‌خواهند کوردستان را اداره کنند؟ وقتی هر کدام یک گروه نظامی جداگانه دارند، چگونه می‌خواهند قدرت را تقسیم کنند؟



من از دولت مرکزی یا حاکمیت نظامی تهران ترسی ندارم؛ وحشت اصلی من از «خودمان» و احتمال هرج‌ومرج داخلی است. اگر هماهنگ‌کننده و نقشه واحدی نداشته باشیم، فردا هر حزبی مانند اقلیم کوردستان یک تکه را برمی‌دارد و ادعای مالکیت می‌کند که نتیجه‌اش یک هرج‌ومرج ویرانگر است. ما در یک موقعیت عالی هستیم و عقلای احزاب کورد نباید دست روی دست بگذارند. آن‌ها باید شبانه‌روز برای تهیه مقدمات و یک سیستم تقسیم قدرت برای دوران گذار فکر کنند. ما تا رسیدن به یک نتیجه مناسب راه زیادی در پیش داریم.

تیشک *جریان‌های شاه‌پرست و ناسیونالیست‌های افراطی در اپوزیسیون ایران تا چه حد می‌توانند مانعی برای حقوق سیاسی و اجتماعی کوردها و دیگر ملت‌ها باشند؟*

ناسیونالیسم افراطی هم در طیف رژیم اسلامی و هم



در میان سلطنت‌طلب‌ها وجود دارد. متأسفانه واقعیت عینی این است که درصد بسیار کمی از مردم ایران آموزش دیده‌اند که به حق و حقوق دیگر ملیت‌ها احترام بگذارند و رگه‌هایی از نژادپرستی در آن دیده می‌شود. با این حال، جریان شاه‌پرستی دیگر دوره‌اش تمام شده و من احساس خطر آنچنانی از جانب آن‌ها نمی‌کنم. نگرانی اصلی، همان ناسیونالیسم افراطی است که حتی لیبرال‌ترین افراد را هم نگران تجزیه می‌کند. ما باید با مشخص کردن حداقل‌ها و حداکثرهایمان در یک ائتلاف روشن، این دل‌نگرانی‌ها را رفع کنیم تا افراد بیشتری را در جبهه خود داشته باشیم.

اما مهم‌ترین کار در این مقطع، نشستن پای میز گفت‌وگو با قومیت‌ها و ملیت‌های دیگر نظیر ترک‌ها، لرها، لک‌ها و عرب‌هاست. عقلای دو ملت کورد و ترک باید از همین امروز بنشینند و برای آینده شهرهایی مثل نقده، ارومیه، میاندوآب و قروه، و همچنین مناطق جنوبی مثل دهلران و بخش‌هایی از ایلام برنامه‌ریزی کنند و به تفاهم برسند. اگر حل‌وفصل این مسائل را به فردای سقوط حکومت موکول کنیم، خیلی دیر خواهد بود و توافق نهایی با کشت‌وکشتار و هزینه بسیار بالاتری به دست خواهد آمد.

آرشیو *اگر سه سناریو برای دو یا سه سال آینده‌ی ایران در نظر بگیریم (بقای رژیم، تغییر درونی سیستم، یا انتقال قدرت) جایگاه کوردها را در هر یک از آن‌ها چگونه می‌بینید؟ از هم‌اکنون برای هر سناریو چه باید کرد؟*



من سناریوی بقای رژیم و تغییر از درون را تا سه سال آینده بسیار بعید می‌دانم. این حکومت، با نیروهای دگم و نگاه آخرالزمانی‌اش، به هیچ‌وجه قدرت انطباق با شرایط جهانی و منطقه‌ای را ندارد و قابلیت اصلاح درونی را از دست داده است. سناریوی اصلی، سقوط و انتقال قدرت است که معتقدم صلح‌آمیز نخواهد بود. حملات آمریکا در آینده شدت می‌گیرد و ما با یک خلأ قدرت مواجه می‌شویم.

ایرانِ آینده یک کشور ورشکسته است و هر دولتی که سر کار بیاید، چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های دموکراتیک اروپا و آمریکا ندارد. ما باید خودمان را آماده کنیم تا در آن خلأ، جای پایمان را در کوردستان محکم کنیم. اگر به جای ملوک‌الطوایفی و کدخدامنشی احزاب، بتوانیم کوردستان را با هماهنگی پیشمرگه‌ها حفظ کنیم و ثبات ببخشیم، هر حکومت مرکزی که روی کار بیاید چاره‌ای جز گفت‌وگو و تفاهم با ما ندارد و دوران قتل‌عام به سر آمده است. سرنوشت ما دست خودمان است؛ اگر بتوانیم از این موقعیت هوشمندانه استفاده کنیم، آینده بسیار درخشانی خواهیم داشت.